

نسیم حیات

(با ویرایش و اضافات جدید)

www.ketab.ir

تفسیر قرآن کریم

جزء ۲۷

ابوالفضل بهرام پور

سرشناسه	بهرام پور، ابوالفضل، ۱۳۲۰ -
عنوان قراردادی	قرآن جزء ۲۷ Qur'an .Joz 27
عنوان و نام پدیدآور	نسیم حیات: تفسیر قرآن کریم جزء ۲۷ / ابوالفضل بهرام پور.
وضعیت ویراست	ویراست ؟.
مشخصات نشر	قم: آوای قرآن، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	۳۸۴ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۹۱۸۱۵-۶-۰
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	زبان: عربی-فارسی.
یادداشت	چاپ هشتم.
یادداشت	عنوان دیگر: نسیم حیات جزء ۲۷
یادداشت	کتابنامه: ص. [۳۸۳]؛ همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر	نسیم حیات جزء ۲۷.
موضوع	تفسیر (جزء ۲۷)
موضوع	قرآن، برگزیده ها -- ترجمه ها
موضوع	Qur'an .Selections -- Translations
موضوع	تفسیر شیعه -- قرن ۱۴
موضوع	Qur'an-- Shiite hermeneutics -- 20th century
رده بندی کنگره	BP ۱۰۲/۸۴
رده بندی دیویی	۲۹۷/۸۸
شماره کتابشناسی ملی	۱۲۹۰۰۶

www.ketab.ir



نام کتاب: نسیم حیات جزء ۲۷

مؤلف: ابوالفضل بهرام پور

ناشر: آوای قرآن

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۱۸۱۵-۶-۰

نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۲

شمارگان: ۱۰۰۰

قم: صفائیه، روبروی مسجد رفعت، کوچه ۳۲، پلاک ۴۱

قم: خیابان ارم، پاساژ قدس، همکف، پلاک ۸۱

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۱۰۰۴ / همراه: ۰۹۱۲۵۵۳۰۴۰۱

آدرس سایت: www.bahrapur.ir

فهرست مطالب مهم

مقدمه علمی و تفسیری.....	۱۱	هدف خلقت، بندگی و عبودیت است.....	۴۲
رمز استفاده از «ظن» به جای «علم».....	۱۲	هدف خداوند از آفرینش انسان.....	۴۳
محدودیت علم به آخرت.....	۱۳	منکر معاد، در واقع منکر هدفداری خلقت است.....	۴۴
ظن در قرآن در شش معنا به کار رفته است.....	۱۴	خداوند کجایمی خواهد جمال خود را نشان دهد؟.....	۴۵
نوعی از ظن مضراست که به حق نمی‌رساند و قابل تکیه نیست.....	۱۵	هر گناهی سبب نوعی از بلاهاست.....	۴۷
در قیامت که روز کشف و شهود است، ظن چه مفهومی دارد؟.....	۱۶	محتوای سوره طور.....	۴۹
یک نتیجه‌گیری از استعمال ظن به مفهوم علم.....	۲۱	فضیلت تلاوت.....	۴۹
ذاریات / ۳۱-۴۲.....	۲۳	طور / ۱-۱۶.....	۵۰
شهرهای زیر و رو شده قوم لوط.....	۲۵	سوگندهای پرمعنا.....	۵۲
نجات مؤمنان.....	۲۶	تحولات کیهانی در اسفانه قیامت.....	۵۵
درس عبرتی از فرعون.....	۲۸	مکتب‌ها و عقاید انحرافی.....	۵۶
باد عقیق.....	۳۰	چه دلت بار و تحقیر آمیز است این رفتار.....	۵۷
ذاریات / ۴۳-۵۱.....	۳۱	طور / ۱۷-۲۴.....	۵۹
عبرتی از قوم ثمود.....	۳۳	سرنوشت پرهیزکاران.....	۶۱
جهان پیوسته در حال گسترش است.....	۳۵	گوازی واقعی.....	۶۲
مراد از زوجیت در قرآن.....	۳۶	نعمت انس‌گیری.....	۶۲
فرار به دامن الهی.....	۳۶	اطفال مؤمنان کجا برده می‌شوند؟.....	۶۳
ذاریات / ۵۲-۶۰.....	۳۸	ترفع درجهٔ مجانی.....	۶۴
حربه تخریب شخصیت.....	۴۰	تفریحات اهل بهشت.....	۶۷
		طور / ۲۵-۳۴.....	۶۸

- نگرانی سازنده و مقدس ۷۰
- نگرانی از فامیل های لادین ۷۱
- آرزوی شومی که محقق نشد ۷۳
- طغیانگری موجب تعطیلی عقل می شود ۷۵
- اتهام سوم ۷۶
- طور / ۳۵-۴۳ ۷۷
- چند فقره سؤال بی پاسخ ۷۹
- تهمت به خدا ۸۱
- توطئه تان به خودتان باز می گردد ۸۲
- طور / ۴۴-۴۹ ۸۴
- عناد موجب کوری چشم می شود ۸۶
- عذاب دنیوی ۸۸
- لذت خطاب و احساس اینکه خدا مرا می نگرَد ۸۸
- مجالسی که نیاز به استغفار دارد! ۸۹
- معرفی سوره نجم ۹۱
- فضیلت تلاوت ۹۱
- نجم / ۱-۱۲ ۹۲
- سوگند به ستاره که رفیق شما گمراه نشد! ۹۴
- قرآن چیزی جزوی الهی نیست ۹۵
- ملاقات با جبرئیل و مشاهده چهره اصلی او ۹۷
- مسئله کفایت و کاهن ۹۷
- دو تفسیر درباره قهرمان ماجرا ۱۰۰
- قلب پیامبر مشاهده او را تأیید کرد ۱۰۲
- تفسیر دوم ۱۰۳
- نجم / ۱۳-۱۸ ۱۰۵
- ملاقات دوم ۱۰۷
- جزئیات معراج از مشاهدات است ۱۰۷
- اگر وحی علم باشد معراج شهود علم است ۱۰۸
- مختصری درباره معراج ۱۰۹
- سفر معراج در دو مرحله بود ۱۱۰
- پیامبر ﷺ در معراج، پیامبران را دیدار کرد ۱۱۱
- فرصت طلبی ابو جهل و رسوائی او ۱۱۲
- نجم / ۱۹-۲۶ ۱۱۳
- تقسیم ناعاد لانه ۱۱۵
- زائیده تخیلات بی اساس ۱۱۷
- خوش خیالی و خام اندیشی ۱۱۸
- نجم / ۲۷-۳۰ ۱۲۰
- اینان منکران آخرت هستند ۱۲۲
- تکیه بر اطلاعات ظنی ۱۲۲
- یک قاعده کلی در ترجمه ظن ۱۲۳
- مواظب خودت باش و انرژی ات را هدر نده! ۱۲۴
- انحطاط فکری ۱۲۵
- نجم / ۳۱-۳۲ ۱۲۷
- هدف از خلقت ۱۲۹
- گناه از روی قصد و عمد و گناه اتفاقی ۱۳۰
- معیار گناه کبیره ۱۳۳
- نجم / ۳۳-۴۷ ۱۳۴
- هر کسی در گرو اعمال خود است ۱۳۷
- پیام مهم کتب آسمانی ۱۳۸
- تجسم اعمال ۱۳۹
- همه چیز به خدا منتهی می شود ۱۴۰
- غم و شادی حواله خداوند است ۱۴۱
- نجم / ۴۸-۶۲ ۱۴۳
- فقرو ثروت به دست اوست ۱۴۵
- ستاره شعری ۱۴۶

۱۴۷.....	بادشاه حقیقی جهان	قمر / ۴۱-۴۶.....	۱۸۶.....
۱۴۷.....	هلاکت اقوام ظالم و طغیان‌گر	احوال فرعونیان را بنگرید!	۱۸۷.....
۱۴۹.....	قیامت بیخ گوش شماست	ای کفار قریش آیا شما قوی‌تر از گذشتگان هستید؟	۱۸۸.....
۱۵۰.....	تعجب نکنید!	قمر / ۴۷-۵۵.....	۱۹۰.....
۱۵۱.....	اگر بدانید چه در پیش دارید خنده‌تان نمی‌آید	وضعیت وحشتناک	۱۹۲.....
۱۵۳.....	قمر / ۱-۸.....	کسی هست که پند گیرد!	۱۹۴.....
۱۵۴.....	مفهوم و محتوای سوره	مقصد صدق	۱۹۵.....
۱۵۴.....	فضیلت تلاوت	جدائی زهرآگین	۱۹۶.....
۱۵۵.....	شق القمر معجزه پیامبر	معرفی سوره الرحمن	۱۹۷.....
۱۵۸.....	هیچ فعلی و سخنی از بین نمی‌رود	فضیلت تلاوت	۱۹۷.....
۱۶۰.....	سرنوشت تلخ	الرحمن / ۱-۱۳.....	۱۹۸.....
۱۶۱.....	چیزی وحشتناک همه را به دلهره می‌اندازد	خدای هستی بخش	۱۹۹.....
۱۶۱.....	چون ملخ‌هایی سرگردان	نعمت انسانیت	۲۰۰.....
۱۶۲.....	چرا قیامت برای مجرمان سخت باشد؟	نعمت گفتار	۲۰۱.....
۱۶۳.....	قمر / ۹-۱۷.....	چرا تعلیم قرآن قبل از خلقت انسان آمده	۲۰۱.....
۱۶۵.....	مظلومیت حضرت نوح	هر چیزی در این عالم میزان و اندازه دارد	۲۰۴.....
۱۶۷.....	ادبیات تکان دهنده قرآن	عالم هستی بر مرکب میزان سوار است	۲۰۴.....
۱۶۸.....	طوفان نوح کشتی‌های عظیم امروزی را هم می‌بلعد	انسان تکویناً قدرشناس است	۲۰۷.....
۱۷۰.....	قمر / ۱۸-۲۸.....	الرحمن / ۱۴-۲۵.....	۲۰۸.....
۱۷۲.....	طوفان قوم عاد	آفرینش اولیه انسان و جن	۲۱۰.....
۱۷۳.....	آیا اعتقاد به سعد و نحس ایام شرک است؟	دو مشرق و دو مغرب	۲۱۲.....
۱۷۵.....	سرگذشت قوم ثمود	دو دریا در کنار هم	۲۱۳.....
۱۷۸.....	قمر / ۲۹-۴۰.....	نعمت کشتی‌های غول‌پیکر	۲۱۴.....
۱۸۰.....	قوم ثمود ناله را بی می‌کنند	الرحمن / ۲۶-۳۶.....	۲۱۶.....
۱۸۰.....	معجزات کف‌زنندگان	همگان فانی هستند جز او	۲۱۸.....
۱۸۲.....	سرنوشت شوم قوم لوط	فعالیت دائمی خدا	۲۱۹.....
۱۸۳.....	جنایت و وقاحت	علت مُحدثه - علت مُبقیه	۲۲۰.....
۱۸۴.....	بایک اشاره چشم‌هایشان آب شد و ریخت!		

۲۵۹.....	اصحاب یمن و اصحاب شمال	۲۲۱.....	نعمت فراموش شده
۲۶۰.....	ما چه بکنیم می شویم اصحاب یمن	۲۲۲.....	به حساب شما دو گروه خواهیم رسید
۲۶۱.....	گروه سوم	۲۲۳.....	نکته: «لَکُمْ».....
۲۶۲.....	مراد از سبقت چیست؟	۲۲۴.....	اگر می توانید بگریزید!
۲۶۳.....	تحلیل ما از مقام امامان	۲۲۵.....	رمز تقدم جن بر انس
۲۶۶.....	مراد از اولین و آخرین	۲۲۶.....	در محاصره شعله های آتش
۲۶۹.....	هشدار سنگین به مردمان این عصرها	۲۲۸.....	الرحمن / ۳۷-۴۵
۲۷۰.....	ایمان و عمل دارای مراتب مختلفی است	۲۳۰.....	صحنه های هول انگیز
۲۷۰.....	نقطه شروع سیرو سلوک	۲۳۱.....	آیا از مجرمان بازخواست می شود یا نه؟
۲۷۱.....	نسخه اصلی سیرو سلوک	۲۳۲.....	موقف های قیامت طولانی است
۲۷۳.....	واقعه / ۱۵-۲۶	۲۳۳.....	این خطاب به چه کسی است؟
۲۷۵.....	محفل مقریان	۲۳۳.....	طواف کشنده!
۲۷۸.....	واقعه / ۲۷-۴۰	۲۳۵.....	الرحمن / ۴۶-۵۵
۲۷۹.....	محفل اصحاب یمن	۲۳۷.....	ترس از جایگاه خدا
۲۸۱.....	قُلَّةُ جمعیت کثیر است	۲۳۸.....	دوباغ و دو چشمه
۲۸۳.....	واقعه / ۴۱-۵۰	۲۴۱.....	الرحمن / ۵۶-۶۹
۲۸۴.....	محفل اصحاب شمال	۲۴۳.....	همسران بهشتی
۲۸۵.....	سبک زندگی شان اینگونه بود	۲۴۴.....	نیکی را با نیکی پاسخ دهید
۲۸۸.....	واقعه / ۵۱-۶۲	۲۴۴.....	نیکی را با نیکی پاسخ دهید
۲۹۰.....	پذیرائی از اصحاب شمال	۲۴۶.....	دو بهشت دیگر با توصیف دیگر
۲۹۱.....	مرگ و میر شما در دست ماست	۲۴۷.....	برتری جایگاه خائفین
۲۹۱.....	قانون مماثلت	۲۵۰.....	الرحمن / ۷۰-۷۸
۲۹۲.....	شما خالقید یا ما؟	۲۵۲.....	همسران دیگر در دوباغ دیگر
۲۹۲.....	مرگ هم به دست ماست	۲۵۵.....	معرفی سوره واقعه
۲۹۳.....	زندگی پس از زندگی	۲۵۵.....	فضیلت تلاوت
۲۹۴.....	یا هر دو را با هم قبول کنید و یا با هم رد کنید	واقعه / ۱-۱۴	واقعه / ۱-۱۴
۲۹۵.....	واقعه / ۶۳-۷۴	۲۵۶.....	
۲۹۷.....	زارع حقیقی خداست	۲۵۸.....	قیامت یک حادثه عظیم است

واقعہ / ۷۵-۸۷	۳۰۱	حدید / ۱۴-۱۸	۳۴۰
سوگند بزرگ	۳۰۳	آیا در دنیا با هم نبودیم، چرا یا ریمان نمی‌کنید	۳۴۲
جاسازی ستارگان در آسمان، مهم‌تر از آفرینش آنهاست	۳۰۴	فُضَیل بن عیاض آزاد شده این آیه است	۳۴۶
اصالت قرآن	۳۰۵	بدانید زنده‌کننده خداست	۳۴۷
مراد از متش کتاب چیست، قرآن یا لوح محفوظ	۳۰۵	حدید / ۱۹-۲۰	۳۴۹
قرآن کتاب هدایت و قابل فهم همه عموم مردم است	۳۰۷	مقام مؤمن واقعی	۳۵۰
وقتی جان محضر به گلوگاه می‌رسد	۳۰۸	مقام صدیقین	۳۵۱
واقعہ / ۸۸-۹۶	۳۱۰	فرق صادق و صدیق	۳۵۲
حال احتضار گروه سه‌گانه	۳۱۱	پنج مرحله عمر	۳۵۵
وضع حال گمراهان در حال احتضار	۳۱۳	عاقبت خاک گل کوزه‌گران خواهی شد	۳۵۵
حدید / ۱-۶	۳۱۵	حدید / ۲۱-۲۴	۳۵۷
فضیلت تلاوت	۳۱۶	دنیا زمین مسابقه است	۳۵۹
تسبیح موجودات قولی است یا فعلی	۳۱۸	ابتدا مغفرت سپس بهشت	۳۵۹
خدا باطن است یعنی چه؟	۳۲۰	مصیبت‌هایی که بر سر انسان می‌آید دو گونه است	۳۶۱
گستره نامحدود علم الهی	۳۲۲	به یزید فرمود این آیه در مورد مانعی باشد	۳۶۲
معنای برگشت امور به خدا	۳۲۳	هدف در بلایای مقدر شده	۳۶۳
حدید / ۷-۱۰	۳۲۵	حدید / ۴۵-۴۷	۳۶۵
شما امانت دارید نه مالک	۳۲۷	هدف از ارسال رسولان	۳۶۷
ایمان جالب	۳۲۸	اگر طبیب متخصص نشده طبابت نکند	۳۶۷
اتفاق این دویکی نیست	۳۲۹	نخست زبان منطقی و برهان و باطاغیان زبان زور	۳۷۰
حدید / ۱۱-۱۳	۳۳۱	پیامبران همسو	۳۷۲
هر اتفاقی نوعی ثواب دارد	۳۳۳	رافعت و رحمت در دل پیروان انداختیم	۳۷۲
حرکت در پرتو نور	۳۳۴	سرگذشت رهبانیت مسیحی	۳۷۳
گدائی نور	۳۳۵	انحراف در سنت‌های پسندیده	۳۷۴
مقصود از منافق	۳۳۷	رهبانیت در اسلام نیست	۳۷۵
زندگی در سایه نور مؤمنان	۳۳۷	حدید / ۲۸-۲۹	۳۷۶
		شان نزول	۳۷۸
		مخاطب این آیه اهل کتاب است یا اهل قرآن؟	۳۷۹

مقدمه علمی و تفسیری

ظن در استعمال قرآن

با توجه به آیه «إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ - نجم / ۲۸» در این جزء قرآن، درباره استعمال ظن در قرآن تحقیق می‌کنیم.

حتی المقدور باید سعی شود کلمات قرآن به معنی خود ترجمه شود. متأسفانه در مواردی معنی لغت با توجه به قاموس‌ها با نظر قرآن مجید جور نیست.

در این آیه بقره: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ كَفْتَهُ» آمده است. «ظُنُّونَ» به معنای «می‌دانند» گرفته‌اند.

اگر منظور مفهوم يَعْلَمُ است چرا از ظن که معنی مجازیش ممکن است يَعْلَمُ باشد استفاده گردیده است؟ در اینجا باید توقف کرد، تا ببینیم گرچه اینجا مناسب همان مفهوم يَعْلَمُ است لکن چرا از لفظ يَظُنُّ استفاده شده است؟ قرآن کتاب فصیح افصح است و در قافیه نمی‌ماند به خاطر اینکه انسان هر قدر هم به مسائل معاد آگاهی کسب کند و لو با آیات قرآن، به تمام حقیقت معاد علم پیدا نمی‌کند مگر اینکه آن را از نزدیک مشاهده کند.

باید دانست که ظن از احتمال ۵۱٪ تا ۹۹٪ درجه را شامل می‌شود و مرتبه‌های ظن هریک از جنس علم است منتها علم نسبی، ولی خدا ترسان

که موفق بر اقامه صلوٰه هستند باید به آخرت علم حقیقی داشته باشند نه ظن. دوم آنکه خداوند در قرآن از متقین خواسته است نسبت به قیامت یقین حاصل کنند نه گمان. پس معلوم می شود ظن به معاد کافی نیست و یقین و علم لازم دارد.

اما آنچه گفتید ظنّ به قیامت کافی نیست و بدلیل آیه «يُوقِنُونَ»، علم و یقین لازم است گفته خواهد شد این طور نیست در دیدگاه قرآن ظنّ به قیامت هم کاربرد دارد و مورد قبول قرآن است. آنجا که قرآن به کم فروشان حمله می کند و ظنّ به معاد را از ناحیه آنها کافی بر ترک گناه کم فروشی می داند: **وَيَلِّ الْمُطْغَفِينَ - الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ - وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ - أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ - لِيَوْمٍ عَظِيمٍ [مطففین / ۱-۴]**

و اما جواب از آیه کریمه «يُوقِنُونَ»: آنجا که صحبت از ایقان به معاد است مربوط به صفات نهایی و کامله متقین است. در مسئله معاد از مرحله ابتدایی ظنّ گرفته تا مرحله نهایی آن و تا علم، و از آن تا مرحله نهایی که یقین است همه کارساز و مورد قبول قرآن است.

برهان عقلی «دفع ضرر محتمل» امر عقلی است یعنی به پیام ظنّ پاسخ جدی دادن، هم مفید و کارساز است و هم لازم.

رمز استفاده از «ظنّ» به جای «علم»

و اینک ببینیم در این آیه کریمه «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ» که ذوق سلیم ایجاب می کند که لغت «يَعْلَمُ» به کار می رفت، چگونه از این لفظ که مرحله مادون علم است استفاده شده؟

اگر ظنّ را در این آیه به مراحل متوسطه آن حمل کنیم دو مفهوم از آن استخراج خواهد شد یکی طعن بر کافران و یکی مدح بر مؤمنان. به این صورت که خاشعان چنانند که حتی ظنّ به معاد هم در آنها کاربرد دارد و آنها را به خشوع و اقامه صلوٰه واداشته است و بر کافران طعن است که شما نسبت به معاد حتی ظنّ هم ندارید!

نکته سومی هم درمی آید که آن جنبه اتمام حجت دارد و واقعا برای کسی که گوش شنوا و قلب گیرنده دارد تکان دهنده است و آن اینکه خدای متعال برای شروع سلوک انسان به سوی خدا به کم قناعت کرده است. ای انسان! حتی اگر ظنی هم در کار تو باشد قبول است و این آسان گیری خداوند است نسبت به انسان. و اگر ظنّ را به مفهوم مرحله نهایی آن که ۹۹٪ است بگیریم و مسامحه به «يَعْلَمُونَ» ترجمه کنیم مانعی ندارد. ولی سؤال اینست که، آن یک درصد مورد احتمال چیست و چگونه توجیه می شود؟

محدودیت علم به آخرت

مسئله این است که متعلق علم یعنی آنچه انسان می خواهد به آن آگاهی و علم پیدا کند گاهی چنان از وسعت برخوردار است که آدمی قادر نیست در یک مرحله به کل آن موضوع علم حاصل کند بلکه به تدریج، مرحله به مرحله به آن علم می رساند. در اینجا هر مرحله از علم نسبت به جزئی از این کل، واقعا علم است، ظنّ و گمان هم نیست؛ از طرفی نسبت به مجموع مسئله، علمی است محدود و نسبی. پس در این مورد می شود گفت علم ما به این موضوع وسیع، دو مرحله و دو گونه است، علم اجمالی و ناقص؛ و علم تفصیلی و جامع.

ما در این مورد اگر به علم اجمالی، ظنّ اطلاق کنیم به اعتبار این است که به آن مقدار از موضوع که آگاهی پیدا شده علم است و نظریه مقادیر باقیمانده موضوع که هنوز به جزئیات آن علم حاصل نشده است کم دارد و این همان یک درصد احتمال خلاف است.

مسئله آگاهی مانسبت به معاد که امری واقعا وسیع و دامنه دار است به مقداری از آن است نه به همه آن، پس علم ما به آن در واقع به صد درصد همه موضوع حاصل نشده است و این علم همطراز با ظنّ است. بنا بر این توجیه، یک درصد احتمال خلاف که از «يُظُنُّونَ» در می آید عبارت از مقدار مسائل مربوط به معاد است که هنوز به آن علم نیافته ایم که به تدریج در سایه مطالعه و عمل حاصل می شود و مقدار اعظم آن بعد از انتقال بهبرزخ و قیامت، با شهودی واضح حاصل خواهد شد.

باید توجه داشت در آیه «الَّذِينَ يُظُنُّونَ... خَاشِعِينَ كَسَانِي هَسْتَنَد كِه مِي دَانَنَد خدَا رَا مَلَاَقَات مِي كَنَنَد وَ بَه سَوِي اَوْ بَا زَكِرْدَانَدَه مِي شُونَد» در عین این که کلمه «يُظُنُّونَ» را «مِي دَانَنَد» ترجمه مِي كَنَنِم، از يَادَمَان نرود كه علم مَا بَه آخِرَت محدود است و قابل بالَا بَرْدَن و توسعه است و انسان نبايد مقدار اطلاعاتي را كه نسبت به معاد كَسَب كَرْدَه كامل بَدَانَد بَلَكِه بايد بَدَانَد كه هنوز تا اوج علم به معاد، مسافت ها باقي دارد.

ظنّ در قرآن در شش معنا به کار رفته است

۱- به معنای گمان و ظنّ مذموم

آن نوعی گمان است که از حق چیزی را به دست نمی دهد و از آن نهی

شده است و در پاره‌ای موارد اصولاً به معنی جهل است. مانند:

الف- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ: ای مؤمنان از بسیاری ظن‌ها دوری کنید که برخی ظن‌ها گناه است. [حجرات / ۱۲]

توجه کنید که فرموده است بعضی از ظن‌ها إثم است و مضر پس معلوم می‌شود ظن مفید هم وجود دارد و تنها آنچه مضر است لازم الاجتناب است.

ب- وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمُ الظَّنَّ أَلَّا يُلَاقِيَ مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا: واکثر آنها از ظن پیروی می‌کنند که البته ظن چیزی از حق را روشن نمی‌سازد. [یونس / ۳۶] نوعی از ظن مضر است که به حق نمی‌رساند و قابل تکیه نیست

ج- وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا: عیسی علیه السلام را نکشتند و به دار نزدند، ولیکن قضیه برایشان مشتبه شد و کسانی که درباره آن اختلاف کردند در شک و تردیدند آنها بدان علم ندارند، آنها جز از ظن پیروی نمی‌کنند و یقیناً او را نکشتند. [نساء / ۱۵۷]

و این ظن مذموم است که موجب گم کردن حقیقت سرنوشت حضرت عیسی شد.

نکته‌ای که از ما لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ به دست می‌آید معلوم می‌شود احتمالات موجود در مراحل ظن مذموم، از جنس علم نیست ولی احتمالات موجود در ظن مفید و یا ظن شبه علم از نوع علم هستند.

د- دو مورد ذیل که از مقوله ظن مذموم است به معنی جهل می‌باشد.

وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيٍّ وَإِنَّهُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ: عده‌ای از آنها بی‌سوادند و نمی‌دانند کتاب دین را جز یک مشت آرزوها و جزاین نیست که آنها گمان می‌کنند. [بقره / ۷۸]

ظَنّ در اینجا مذموم است، یعنی آنها جاهلند به دلیل اینکه آن را مرادف لَا يَعْلَمُونَ قرار داده است.

وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْهُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ: گفتند آن چیزی نیست مگر فقط این زندگی، که می‌میریم و زنده می‌شویم و ما را طبیعت می‌میراند و آنها به این امر علم ندارند، آنها جز ظَنّ و گمان نمی‌کنند. [جاثیه / ۲۴] «يَظُنُّونَ» به مفهوم يَجْهَلُونَ، لَا يَعْلَمُونَ می‌باشد.

۲- به معنی ظَنّ ممدوح

آن نوعی است که در اقدام به مقتضیاتش تشویق هست. ظَنّ ممدوح قابل تکیه است و برای شروع در جهت کشف حقیقت مفید است.

مانند:.... وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ، أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ: و چون پیمانه می‌گیرند یا وزن می‌کنند کم می‌گذارند، آیا اینان گمان هم نمی‌کنند که برای روزی بزرگ مبعوث می‌شوند. [مطففین / ۴]

می‌فرماید: اگر این کم فروشان نسبت به قیامت حتی ظَنّ هم داشتند خلاف نمی‌کردند. اینجا ظَنّ مفید است و قرآن عمل به مقتضای آن را مفید می‌داند.

۳- به معنای علم اجمالی

و آن موردی است که موضوع دارای ابعاد وسیع باشد و علم به یک مقداری از آن حاصل شده است. این مقدار ماهیتاً علم است مانند آیه‌ای که فوقاً بررسی شد و مانند آیه طالوت: وقتی که او و مؤمنان همراهش از نهر گذشتند، نافرمانان گفتند: امروز ما را یارای مقابله با جالوت و سپاه او نیست، قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ: اما آنها که می‌دانستند «يَظُنُّونَ» خدا را ملاقات خواهند کرد گفتند: چه بسا گروهی اندک به خواست خدا بر گروهی بسیار غلبه یافته و خدا با صابران است. [بقره / ۲۴۹]

۴- به معنای انکار حق و نفی هر گونه احتمال به آن

در این صورت نکتۀ استعمال ظنّ در این مورد شاید این باشد که منکر می‌خواهد بگوید انکار من عالمانه و بعد از بررسی است که هیچ گونه احتمالی به وجود موضوع انکار شده حاصل نشده است. مانند:

وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنَّ نَظْنَ الْإِظْنًا وَمَا نَحْنُ بِمُستَيْقِنِينَ [جاثیه / ۳۲]

در اینجا نَظْنَ را [گمان می‌کنیم] مرادف ما نَدْرِي [نمی‌دانیم] قرار داده است و معلوم است که «ما نَدْرِي» نفی هر گونه احتمال است.

از طرفی ظَنًّا مفعول مطلق تأکیدی است و «نَظْنُ» را تقویت می‌کند و تقویت ظنّ همان تخلیه آن از احتمال است پس ظنّ در اینجا یعنی نفی و انکار.

۵- به معنی علم با احتمال خلاف

مانند- الف: وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أَحِيطَ بِهِمْ دَعَاؤُا اللَّهِ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَجَبْتَنَا مِنْ

هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ [یونس / ۲۲]

یعنی: اوست خدایی که شما را در خشکی و دریا سیر می دهد و چون در کشتی باشید باد ملایمی جریان دهد که با آن خوشحال شوند. ناگهان طوفان تندی بیاید و موجی از هر طرف برخیزد و بدانند که «وَقُلُّوا» در احاطه بلا قرار گرفته اند. اینجا خدا را به خلوص دین بخوانند که خدایا اگر ما را نجات دهی حتما از شاکران خواهیم شد.

آنها در محاصره طوفان قرار می گیرند و راه نجات را می بینند که بسته شد، به این امر علم پیدا می کنند قُلُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ، اما احتمال خلاف می دهند که آن نجات احتمالی است به دلیل اینکه آنها به خدا عرض می کنند اگر نجات دهی شاکر می شویم.

ب- کَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ [قیامت / ۲۶] وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ [قیامت / ۲۷] وَقُلْنَا أَنَّهُ الْفِرَاقُ: [قیامت / ۲۸]: چنین نیست، متنبه نمی شوند تا جان به گلوگاه برسد، و گفته شود کیست که او را نجات دهد [اطرافیان به تلاش می افتند که او را از مرگ برهانند] وَقُلْنَا أَنَّهُ الْفِرَاقُ و بدانند که هنگام جدایی است.

ظَنّ در اینجا علم به مرگ است با احتمال نفی آن، زیرا او دیده است چه فشارهای مرگ را که به مرگ منتهی نشده است.

ج- وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ آيُنْ شُرَكَائِي قَالُوا اذْنَاكَ مَامِنَّا مِنْ شَهِيدٍ وَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَقُلُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ [فصلت / ۴۷-۴۸]

یعنی روزی که ایشان را ندا می کنند: کجایند شریکان من که می پنداشتید؟ جواب دهند به تو اعلام می کنیم که از ما گواهی نیست [بر شرکت شرکا] و آنچه

را قبلاً می خواندند از نظرشان محوشود و بدانند که گریزی برای ایشان نیست. اینجا مسئله بررسی ظنّ دقت بیشتری لازم دارد. استعمال ظنّ در مورد عذاب های قیامت برای کسانی که در قیامت آن را می یابند عین علم است و نباید احتمال خلاف در آن باشد و این آیه گرچه مربوط به صحنه قیامت است لکن باید گفت علم با احتمال خلاف است زیرا:

خداوند در اینجا از مجرم می پرسد شرکایی که برای من جعل می کردی کجایند؟ مجرم می بیند برای این سؤال پاسخی ندارد، مثل متهمی که در دادگاه جواب هایش قاضی پسند نیست. لذا مجرم در پیشگاه قاضی محکمه که خداست، خود را محکوم و جهنمی می یابد. اما با توجه به اینکه هنوز خداوند اعلام نظر نکرده مجرم این احتمال را می دهد که تصمیم های خداوند چیزی دیگری بوده باشد.

در قیامت که روز کشف و شهود است، ظنّ چه مفهومی دارد؟

همه سؤال این است که در قیامت حقایق روشن می شود و جایی برای ظنّ و گمان باقی نمی ماند ولی با این همه قرآن «ظنّ» را در برخی صحنه های قیامت به کار برده است.

بعضی موارد پیش می آید که موردی اقتضا می کند که آنجا مورد قطع و علم باشد و دلایل هم آن را تأیید می کند. مثلاً می بینیم مجرم در قیامت می بیند که دارد به جهنم سوق داده می شود و آتش دهان گشوده آماده بلعیدن اوست و اینجا موردیست که باید علم بدون احتمال نقیض باشد، با این همه می بینیم در استعمال قرآن از کلمه ظنّ استفاده شده است.

مانند آیه: وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا [کهف/ ۵۳]

و مجرمان آتش را می بینند و می فهمند که حتما در آن افتادنی هستند و از آن گریزی ندارند. چند دلیل ادبی، علمی بودن مورد را تأیید می کند:

الف- رؤیت آتش، و معلوم است که شهود فوق علم است.

ب- جمله اسمیه و نیز مؤکد به حرف آن بودن أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا

ج- لَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا. و اینجا نه از مورد علم اجمالی است و نه علم با احتمال خلاف ولی با این همه ظن استعمال شده است. از این مشکل شاید بتوان با برهان ذیل جواب داد:

استعمال ظن در این مورد شاید اشاره به این باشد که اینجا یک احتمال خلاف هست و لکن آن از ناحیه ظان نیست یعنی ظان که شخص مجرم است احتمال خلاف نمی دهد لکن در نفس الامر یا در تصمیم خداوند ممکن است این باشد که از تنبیه مجرم بگذرد زیرا دست خدا بسته نیست. إِنَّ رَبَّكَ فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ [هود/ ۱۰۷] و شاید این آیه تحلیل این آیه کریمه باشد:

الف... وَقَالَ أُولِيَاءُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا آجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مُثْوَكَةٌ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ [انعام/ ۱۲۸]

یعنی روزیکه خدا کفار شیاطین و انس را جمع آورد و گفته شود: ای گروه جن! بسیار گمراه کردید از آدمیان را و دوستان ایشان، از آدمیان گویند: پروردگارا! ما از هم دیگر بهره جستم و رسیدیم به آن سرآمدی که برایمان تعیین کرده بودی. خدا گوید: آتش جای شماست جاویدان مگر خدا نخواهد.

ب... فَأَمَّا الَّذِينَ شَفَعُوا فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ [هود / ۱۰۶] خَالِدِينَ فِيهَا
 مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ [هود / ۱۰۷] وَأَمَّا
 الَّذِينَ سُعِدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ
 غَيْرَ مَجْذُوذٍ [هود / ۱۰۸]

یعنی قیامت که شد اما آنها که شقی شدند پس در آتشند ایشان راست در
 آن فریاد سخت و ناله و در آن جاویدند مادامی که آسمانها و زمین هست، مگر
 خدایت بخواهد زیرا پروردگارت فعال مایشاء است؛ و اما آنها که خوشبخت
 شدند پس در بهشت جاویدانند، مادامی که آسمان ها و زمین هست،
 مگر خدا نخواهد، این عطایی است قطع نشدنی.

در این آیه می بینید بعد از آنکه مؤمن در بهشت می رود تعبیر خلود و کافر
 به جهنم داخل می شود تعبیر خلود است. باز خداوند به خود حق فسخ
 قائل است پس کافرو مؤمن باید در محل خلود خود، علم به خلود داشته
 باشند با احتمال خلاف آن.

بنابراین در آیه قبلی، مجرم یقین می کند که در جهنم می افتد فَظَنُوا أَنَّهُمْ
 مُوَاقِعُوهَا؛ اما یک احتمال خلاف باقی می ماند که آنجا نجات از آتش است
 إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ.

یک نتیجه گیری از استعمال ظن به مفهوم علم

انسان نباید در هیچ حال خود را از خدای متعال مستغنی بداند حتی
 آنجا که در بهشت وارد می شود و هم آنجا که در جهنم خالد می گردد و بداند
 خلود بسته به نظر و اراده خداست که آن را امضاء کند یا فسخ نماید. ظن در

انسان نوعی نگرانی و امید ایجاد می‌کند و مایه تلاش و تحرک می‌گردد. مؤمن در دنیا باید نسبت به سرنوشت دنیا و آخرتش که به دست خداوند است بین خوف ورجا باشد. از این استعمالات در قرآن به دست می‌آید که خدای متعال می‌خواهد بندگان در هر حال، نسبت به رحمت خدا چشم‌انتظار باشند. حتی آن مجرمی که در قیامت می‌بیند، چاره از همه جاقطع شده باید در ذهن او یک احتمال نجات در کنار علم به عذاب باقی بماند و از یادش نبرد «إِلا مَا شَاءَ اللَّهُ»؛ و آن بهشتی هم نباید در بهشت خاطر جمع و با احساس بی‌نیازی از خدا بسربرد و در یادش باشد، إِلا مَا شَاءَ اللَّهُ. لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ...